گزارش

محمدرضا فرزین:

اوراق ارزی منتشر می‌شود

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه انتقال تمام نیازهای رسمی کشور به بازار ارز تجاری امکان پذیر است، گفت: براساس برآوردها، به واسطه راه‌اندازی سامانه ارز تجاری، نزدیک به ۷۰ یا ۸۰ میلیارد دلار در این بازار معامله انجام خواهد شد. محمدرضا فرزین در جلسه هماهنگی با هلدینگ‌های پتروشیمی که شامگاه نهم دی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران برگزار شد، با تقدیر از همکاری مطلوب صنعت پتروشیمی در عمل به تعهدات خود و بازگرداندن ارز به چرخه اقتصاد کشور گفت: هم اکنون با راه‌اندازی سامانه ارز تجاری به سمتی سوق پیدا می‌کنیم که تقریبا روزانه تسویه معاملات ریالی در مرکز مبادله ارز و طلای ایران نزدیک به ۲۰ همت خواهد بود. حجم معاملات و نوع فعالیت مرکز مذکور در زمینه ارز و طلا، نشان دهنده تأثیرگذاری و وسعت فعالیت این مرکز در صنعت مالی کشور است. فرزین ادامه داد: فعالیت سامانه ارز تجاری به گونه‌ای است که نه تنها نهاد سیاست‌گذار از تأمین نیازهای ارزی کشور در نظامی کارا و مبتنی بر بازار اطمینان حاصل می‌کند، بلکه عرضه‌کنندگان نیز می‌توانند با عرضه ارز صنعت خود نسبت به تأمین مالی و نیازهای توسعه‌ای خود را اقدام کنند. علاوه بر این نرخی شکل خواهد گرفت که به نفع متقاضی و عرضه‌کننده است و رانت و انتفاعی متوجه دلالان و واسطه‌ها نخواهد بود.

رئیس کل بانک مرکزی تاکید کرد: به دنبال به حداقل رساندن حجم معاملات ارزی در بازارهای غیر رسمی هستیم و می‌خواهیم تمام معاملات قانونی و نیازهای تجاری و خدماتی تجار و بازرگانان و مردم در این بازار تامین شود. وی افزود: انتقال تمام نیازهای رسمی کشور به بازار ارز تجاری ممکن است و البته هدف ما این است که نرخ بازار ارز تجاری، نرخ ارز کشور باشد. امری که سالها در کشور محقق نشده است. براساس برآوردها، به واسطه راه‌اندازی سامانه ارز تجاری، نزدیک به ۷۰ یا ۸۰ میلیارد دلار در این بازار معامله انجام خواهد شد. در این زمینه نیز با نگاهی به حجم معاملات سال گذشته در می‌یابیم که ۶۵ میلیارد دلار در بازار نیما معامله شده است. از این منظر و با توجه به حجم معاملات این نرخ باید مبنای بازار ارز کشور باشد و به بازارها علامت‌دهی کند. فرزین با بیان اینکه علامت‌دهی نرخ برای بانک مرکزی حائز اهمیت است، عنوان کرد: به دنبال آن هستیم نرخی که در بازار ارز تجاری شکل می‌گیرد به سایر بازارها علامت‌دهی کند. پیش از این نیز نرخ بازار نیما به بازار کالا علامت می‌داد، اما به بازار دارایی علامت‌دهی نمی‌کرد.

وی افزود: امیدواریم در آینده بازار دارایی نیز علامت‌دهی کند و بتوانیم یک بازار تنظیم شده و تحت نظر بانک مرکزی را داشته باشیم که علامت‌دهی لازم را به سایر بازارها داشته باشد زیرا زمانی که تکانه‌های سیاسی و امنیتی رخ می‌دهد، متأسفانه شوک‌های نقدینگی در کشور ایجاد می‌شود و موجب تغییراتی در قیمت‌ها می‌شود که طبیعتا موجب نگرانی عاملان اقتصادی فراهم می‌شود و می‌تواند انتظارات تورمی را تحریک کند. رئیس کل بانک مرکزی با تاکید بر ضرورت ایجاد ثبات اقتصادی در بازارهای مختلف گفت: هنگامی که ثبات اقتصادی اتفاق می‌افتد، همه از آن منتفع می‌شوند. فعالان اقتصادی کشور از بی‌ثباتی‌ها و غیرقابل پیش‌بینی بودن نرخ‌ها آسیب می‌بینند. در این باره ما به عنوان بانک مرکزی موظفیم شرایطی را برای قابل پیش‌بینی شدن نرخ‌ها فراهم آوریم و بتوانیم ثبات اقتصادی را با وجود شوک‌های سیاسی و امنیتی برقرار کنیم. البته در این مسیر همراهی و کمک فعالان اقتصادی بسیار تعیین‌کننده است. رئیس هیأت عالی بانک مرکزی تاکید کرد: یک بازار قاعده‌مند، به ثبات اقتصادی بیش از دستوری بودن نرخ‌ها که برای برخی صنایع غیرقابل قبول است، کمک می‌کند. لذا به همراهی و همکاری فعالان اقتصادی نیازمندیم و امیدواریم با شکل‌گیری این بازار به نیازهای صنعت پتروشیمی نیز پاسخ داده شود، چراکه بخش عمده منابع ارزی و پس‌انداز کشور به صنعت پتروشیمی اختصاص یافته و هم اکنون به صنعتی بالغ و تأثیرگذار در اقتصاد کشور تبدیل شده است.

انتشار اوراق ارزی در مرکزی مبادله

فرزین با اشاره به کارکرد مرکز مبادله ارز و طلای ایران، به عنوان محلی برای تأمین نیازهای فعالان اقتصادی کشور گفت: در حال حاضر در این بازار نرخ (SPOT) است، اما امیدواریم در آینده به سمت نرخ فوروارد حرکت کنیم و بازار فوروارد را راه‌اندازی می‌کنیم. وی از راه‌اندازی بازار اوراق ارزی خبر داد و گفت: بیشتر اوراقی که به فروش رفته، مرتبط با صنعت پتروشیمی بوده است. وی خاطرنشان کرد: با اوراق ارزی می‌توانیم نیازها و تأمین مالی صنایع را انجام دهیم، چراکه در حال حاضر تأمین مالی خارجی کشور به دلیل شرایط تحریم با مشکلاتی مواجه است. از این دیدگاه، حدود ۹۲ درصد بار تأمین مالی کشور برعهده نظام بانکی است. لذا باید تلاش کرد تا با متنوع‌سازی روش‌های تأمین مالی، فرآیند توسعه در کشور متوقف نشود. محمد آرام معاون ارزی بانک مرکزی نیز در این نشست ضمن قدردانی از همکاری شرکت‌های پتروشیمی در عرضه ارز در سامانه ارز تجاری یادآور شد: هلدینگ‌های پتروشیمی از زمانی که سقف قیمتی در سامانه نیما توافقی شده است، همراهی بسیار مطلوبی در عرضه ارز داشته‌اند و امیدواریم همکاری پتروشیمی‌ها تداوم داشته باشد.

«آرمان ملی» در گفت‌وگو با هدایت‌ا... خادمی ناترازی انرژی را بررسی می‌کند

استیضاح مرثیه‌ای بر بحران انرژی

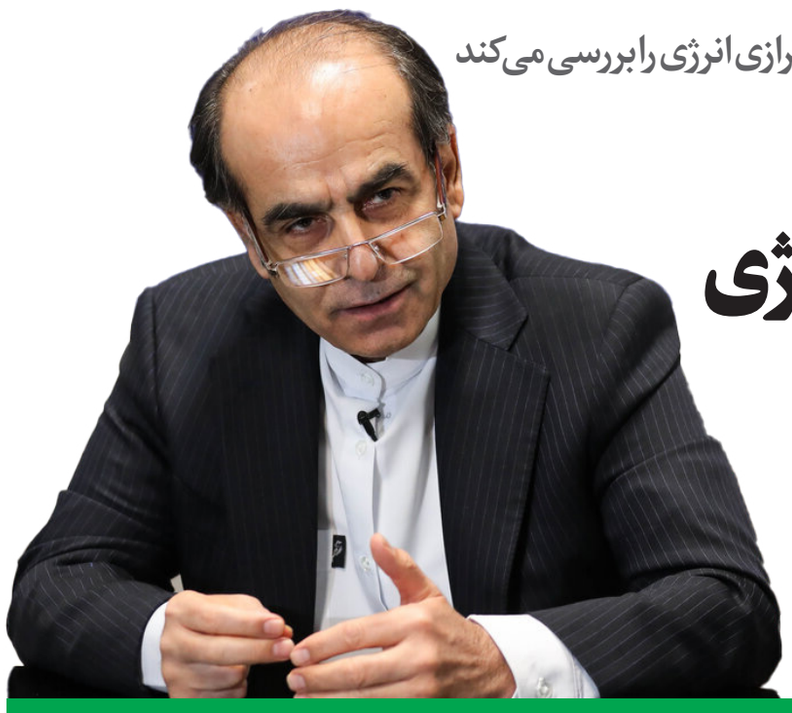

استیضاح فرد یا پاسخگویی حاکمیت

انرژی در بحران، مسئولیت در سایه

ناترازی انرژی، میراث ناکارآمدی

آرمان ملی- صدیقه بهزادپور: در حالی که کشور با بحران عمیق انرژی مواجه است و قطعی‌های مکرر برق و چالش‌های تأمین گاز زندگی روزمره مردم را تحت تأثیر قرار داده، سخن از استیضاح وزیر نفت به میان آمده است. این موضوع در شرایطی مطرح می‌شود که کارشناسان بر این باورند که ریشه‌های این معضل به سیاست‌های اشتباه و ناکارآمدی‌های طی سالیان گذشته بازمی‌گردد. به گفته کارشناسان، ایران، با وجود داشتن منابع غنی نفت و گاز، به جای تبدیل شدن به یک صادرکننده بزرگ، دغدغه واردات بنزین دارد، به زعم این افراد، این تغییر وضعیت نتیجه عدم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری در زمینه ساخت پالایشگاه‌ها و نیروگاه‌ها در سال‌های گذشته است. به نظر تحلیلگران، ناترازی انرژی در کشور نتیجه سیاست‌های نادرست و بی‌توجهی به زیرساخت‌های انرژی در دولت‌های گذشته است. در این میان، قانونگذاران و مجریان قانون نیز باید پاسخگوی این سوال باشند که چرا از سال‌ها پیش هیچ برنامه‌ریزی جدی برای ساخت یا اصلاح نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌ها انجام نشده است. به اعتقاد صاحب‌نظران فقدان نظام پاسخگو عامل اصلی کوتاهی و اهمال مسئولان در سطوح مختلف است که اکثریت فقط در اندیشه طی دوره مسئولیت خود بدون دغدغه پاسخگویی به چالش‌ها به عنوان میراث خود برای دولت بعد هستند، درنتیجه استیضاح وزیر نفت ممکن است به عنوان یک راهکار برای جلب توجه به بحران انرژی مطرح شود، اما واقعیت این است که این مشکل به یک فرد خاص محدود نمی‌شود، بلکه نظام مدیریتی و سیاست‌گذاری در سطح کلان باید مورد بازنگری قرار گیرد. در این رابطه با هدایت‌ا... خادمی نماینده ادوار مجلس گفت‌وگو کرده‌ایم که در ذیل مشاهده می‌کنید.

بحران انرژی ایجاد شده نه تنها به زندگی روزمره مردم آسیب می‌زند، بلکه می‌تواند تأثیرات عمیق‌تری بر اقتصاد کشور داشته باشد. به نظر می‌رسد برای حل این مشکلات، نیاز به یک استراتژی جامع و بلندمدت برای تأمین انرژی و بهبود زیرساخت‌ها احساس می‌شود. این درحالی است که همواره به جای بررسی اصولی مشکلات به انجام یک استیضاح نمادین بسنده می‌شود. آیا زمان آن نرسیده که مسئولان و قانونگذاران به جای استیضاح‌های نمادین، به فکر راهکارهای واقعی و مؤثر برای حل این بحران باشند؟

این سوالی است که باید در کانون توجه قرار گیرد و پاسخگویی واقعی در نظام مدیریتی کشور را به چالش بکشد. ما بر اساس برنامه از پیش تعیین شده باید سالی حدود ۵۰۰۰ مگاوات برق تولید می‌کردیم که تا سال ۱۳۸۲ این اتفاق افتاد و در این راستا مشاهده می‌کنیم که تا حدود ۱۴ سال قبل با کمبود برق روبه‌رو نبودیم و حتی موفق به کسب درآمد ارزی ناشی از صادرات حدود ۱۵ هزار مگاوات برق نیز شدیم، اما روند تولید مطلوب برق از سال ۱۳۸۹ به بعد متوقف شد تولید برق کاهش یافت می‌توان گفت وزارتخانه‌های انرژی طی ۱۳ سال اخیر هیچ اقدامی برای ساخت پالایشگاه و بهبود وضعیت تولید انرژی اعم از برق و... انجام ندادند، این در حالی است که در همان سال‌ها که من خود در مجلس بودم تذکرات زیادی به دولت وقت داده شد و طی مذاکرات صورت گرفته با وزرای آن زمان، مقرر شد که شرکت‌های خارجی به منظور ساخت و توسعه پالایشگاه در کشور حضور یابند. بر این اساس در زمان وزارت آقای چیت چیان وزیر وقت قرار شد شرکت ترکیه‌ای با اعتباری مشخص تا سال ۱۳۹۶ ظرفیتی جدید برای انرژی ایجاد کند، اما این اقدام نیز به دلیل نبود هماهنگی‌ها و اشکال تراشی‌های فراوان و رفتارهای خارج از عرف مسئولان با آنها به نتیجه‌ای نرسید و سرانجام به خروج این شرکت‌ها بدون نتیجه‌ای معین شد و در نهایت به اینجا انجامید که ظرفیت جدیدی متناسب با نیاز برق کشور ایجاد نشد و ناترازی‌ها به بحران کنونی رسید. به گمان برخی مسئولان وقت، برق نیز مانند هوایی است که وجود دارد و اتوماتیک وار تامین شده و به صنعت و منازل می‌رسد! حال آنکه اگر فقط کمی برنامه‌ریزی و پیش‌بینی برای قرارگیری در مسیر توسعه و صنعتی شدن و... وجود داشت، سیاست‌گذاری‌ها برای ساخت پالایشگاه، نیروگاه، اصلاح نیروگاه‌ها قرار می‌گرفت، اما در این میان بسیاری از امور دیگر که از اولویت برخوردار نبودند جایگزین برنامه‌هایی به منظور بهبود زیرساخت‌های برق، آب و گاز شد، درحالی که کشوری که در اندیشه توسعه و رشد است باید اقدام به ساخت نیروگاه، بهره‌برداری از میادین جدید نفت و گاز و ایجاد ارزش افزوده از منابع خانم خود باشد. افزایش مصرف انرژی در بخش صنعت و تولید یکی از شاخص‌های پیشرفته بودن است که هم اکنون در کشورهای توسعه‌یافته شاهد آن هستیم، بدیهی است اگر کشوری درصدد دست یافتن به استانداردهای کمی و کیفی انرژی نباشد به معنای آن است که توسعه در آن کشور به مرحله رکود و سکون رسیده و این امر در کشور ما مصداق عینی دارد.

آیا ناترازی‌ها به ویژه ناترازی انرژی در چندماه اخیر شکل گرفته و باید به دنبال دلیل آن تنها در یک سازمان، نهاد یا قوه‌ای خاص بود؟

در حقیقت در کشور ما تاکنون وزراء و مسئولان در سطوح خرد و کلان قوای سه‌گانه، بدون اهتمام و ضرورت پاسخگویی به عملکرد خود فقط در بازه زمانی فعالیت خود در هر نهاد و سازمانی در فکر گذراندن مدت زمان حضور خود هستند و هیچ دغدغه‌ای نیز برای پاسخگویی ندارند و حتی خیالشان نیز راحت است که بعد از پایان دوره در یک نهاد دیگر تحت عنوان دیگر از حقوق و مزایای خوبی بهره‌مند می‌شوند و کسی نیست که از آنها سوال کند که چرا این کوتاهی و اِهمال را در زمان خود انجام داده‌اند؟ به این ترتیب هدررفت انرژی و مشکلات به همان شکل اولیه باقی می‌مانند، در حقیقت این امر به شکل عادتی مرسوم تبدیل شده است که برخی از نامزدها و کاندیداها در مجلس یا دولت، برنامه‌ای را همچون گذشتگان خود بدون توجه به ظرفیت‌های موجود در کشور در بخش‌های مختلف ارائه می‌کنند و نمایندگان مجلس نیز آنها را بدون دغدغه‌مند بودن در بخش اقتصادی با لحاظ کردن حاشیه‌های سیاسی، آنها را تایید می‌کنند و بعد باز هم با همان دغدغه‌های سیاسی، وزیری را استیضاح می‌کنند یا به زعم خود فرصتی می‌دهند که شاید اصلاحی صورت گیرد. حال آنکه هیچکس از دایره استیضاح در باره مشکلات بزرگ و کوچک و زیرساختی مانند بحران ایجاد شده کنونی در زمینه انرژی خارج نیستند. در حقیقت اگر مرسوم شود که همه مسئولان در هر سطحی حتی بعد از پایان دوره حضور در حیطه فعالیت خود در قوای سه گانه، ملزم به اهمال‌ها و کوتاهی‌های صورت گرفته باشند، دیگر شاهد ناترازی‌ها، فسادها یا این جمله آشنا «دولت قبل چنین و چنان بود» نخواهیم بود.

> همین دو سه سال قبل، برخی در دولت، اطلاعات اشتباه می‌دادند و این ذهنیت را ایجاد می‌کردند که در حال تولید برق و انرژی و گاز هستند، یا بسیاری از پروژه‌های با اعتبارات کلان در حال اجراست

باتوجه به صحبت‌های شما عامل اصلی ناترازی‌هایی در کشور به ویژه ناترازی اخیر در بخش انرژی، ناترازی مدیران و ناکارآمدی و ناهماهنگی در این خصوص است، آیا درست است؟ آیا این امر تاکنون برای مسئولان ملموس نشده تا راهی برای آن پیدا کنند؟

در حقیقت در دوره‌های مختلفی شاهد ناهماهنگی و تعامل نامناسب برخی مسئولان در نهادهای مختلف بوده‌ایم. این امر حتی در هر کدام از نهادهای سه‌گانه، دولت، مجلس، قوه قضائیه نیز صادق است. برای مثال همین دو سه سال قبل، برخی در دولت، اطلاعات اشتباه می‌دادند و این ذهنیت را ایجاد می‌کردند که در حال تولید برق و انرژی و گاز هستند، یا بسیاری از پروژه‌های با اعتبارات کلان در حال اجراست.

این رویه تا جایی پیش رفت که وزیر نفت دولت آقای رئیسی اعلام کردند که زمستان سخت اروپا را از بین می‌برد و فرصتی طلایی برای ایران ایجاد می‌شود و... به این ترتیب با مطرح کردن این مقوله‌های توهم‌زا و اشتباه، فرصتی برای اصلاح ایجاد نمی‌شد و در نهایت هم مطمئن بودند که هیچ الزامی به پاسخگویی وجود ندارد، بلکه بسیاری نیز در برخی از نهادها و بنیادها و ستادها با حقوق‌های بالاتری از امنیت سیاسی، شغلی، مالی برخوردار خواهند بود، اما آنچه که در این میان از بین می‌رود، منابع ملی، اعتماد مردم، امنیت اقتصادی، اجتماعی است که در نتیجه اهمال‌کاری و ندانم کاری‌ها در سایه فقدان نظام پاسخگو ایجاد می‌شود و به این ترتیب دولت‌ها و مجلس می‌آیند و می‌روند و کسی هم نیست که بگوید چرا اینچنین شد؟ از آن بدتر اینکه در رویه‌ای جدید ناکارآمدی خودمان را به گردن مردم می‌اندازیم و مثلاً درباره ناترازی مصرف انرژی اعلام می‌کنیم مصرف زیاد گاز ایران بیشتر از اروپاست، در حالی که اینها اطلاعات غلطی است که از سوی برخی از مسئولان تاکنون داده شده است، در حالی که اینگونه نیست و اولاً اروپا بیشتر از ایران گاز مصرف می‌کند، درثانی اروپا سبد متنوع انرژی دارد و برق را بیش از گاز در بخش‌های مختلف استفاده می‌کنند یا برای تولید برق از انرژی نو استفاده می‌کنند و البته فرهنگسازی مناسب برای مصرف بهینه انرژی هم دارند.

از طرفی کشورهای دیگر مثلاً همین اروپایی‌ها سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسبی برای استفاده از منابع موجود در کشور خود دارند، در حالی که ما هیچ برنامه‌ریزی در این خصوص نداریم و بسیاری از میادین مشترک نفت و گاز ما بلاتکلیف هستند و هیچ تلاش جدی از سوی مسئولان در این زمینه صورت نمی‌گیرد.

ناکارآمدی برخی مدیران و عدم ساخت و روزآمد کردن پالایشگاه‌ها از معضلاتی است که باعث شد ایران از صادرکننده به واردکننده بنزین تبدیل شود، در حالی که امکان تامین مالی از طرق مختلف و اولویت‌گذاری صحیح به ساخت پالایشگاه و تکمیل فازهای آتی نیروگاه ستاره خلیج فارس، وجود داشت. به نظر شما اگر برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری درستی از سال‌های ۸۶ تاکنون صورت می‌گرفت، بحران انرژی به وضعیت کنونی می‌رسید؟

ایران به عنوان دومین دارنده ذخایر گاز و سومین منابع نفت از وضعیت بسیار خوبی برخوردار است که در صورتی که طبق توصیه مقام معظم رهبری درصدد فرآوری آن باشیم، منابع ارزی ریالی فراوانی را عاید کشور خواهد کرد. ساخت پالایشگاه یکی از اقداماتی است که می‌توانست ما را از بسیاری از مشکلات رها کند، اما انجام نشد و تامین بنزین و گازوئیل در حال حاضر به یکی از بزرگ‌ترین دغدغه‌های کشور تبدیل شده است که باعث شده ثروتمندترین کشور دارنده منابع نفت و گاز با بحران بی‌گازی و برقی روبه‌رو باشد. پالایشگاه ستاره خلیج فارس یکی از بزرگ‌ترین پالایشگاه‌های خاورمیانه به شمار می‌آمد و در همان زمان ساخت این پالایشگاه من در مجلس بودم و از وزراء دعوت به حضور برای برگزاری جلسه‌ای کردم که ساخت پالایشگاه‌های دیگر یا تکمیل فازهای آتی آن را در دستور کار قرار دهند، چراکه در آن زمان شرکت‌های پیمانکاری داخلی خوب با امکانات مناسب برای ساخت پالایشگاه داشتیم که ساخت پالایشگاه در کشور را امکان‌پذیر می‌ساخت، اما هیچ همتی برای این امر وجود نداشت تا به تدریج به جایی رسیدیم که نمی‌دانیم این ناترازی را چگونه رفع کنیم؟

به نظر شما چقدر قاچاق در ایجاد معضل ناترازی فعلی در کشور موثر است و ارزیابی شما درباره خبر خرید سوخت مورد نیاز کشور از قاچاقچیان چیست؟

قاچاق در کشور وجود دارد اما اینکه دولت برای رفع ناترازی و تامین نیازهای خود مجبور به خرید سوخت از قاچاقچیان شود، واقعا عجیب است و نشان دهنده این است که سرقت سوخت در سطح خرد انجام نمی‌شود. در حقیقت این خبر نشان از این دارد که قاچاق در این ابعاد و اندازه حاصل پروسه‌ای چندماهه نیست، بلکه حاکی از این است که قاچاق سوخت نظام یافته‌ای در جریان است که قطعا در سایه فسادی گسترده رخ داده است. در حالی که به گفته مسئولان، فروش تعداد نان به افراد در نانوایی‌ها با ایجاد سخت‌افزار و نرم‌افزار مرتبط مشخص است، چگونه میزان تولید و توزیع غیرمرتبط سوخت از نگاه مسئولان دور می‌ماند؟ وقوع این اتفاقات به معنای آن است که هنوز تصمیمی برای کار درست کردن گرفته نشده است، اینکه آقای پزشکیان دستور پیگیری گم شدن بنزین روزانه به مقدار زیاد را صادر کرده‌اند، رویکرد خوبی است، اما اینکه تاکنون هیچ خبری در این باره نبوده است، یعنی اینکه مشکلات ریشه‌دارتر از آن است که تصور می‌شود. برخی در یک وضعیت غیرپاسخگو هیچ ابایی از انجام هر کاری ندارند و گروهی در اندیشه این هستند که چند روزی را به جای انجام وظایف و مسئولیت، تجارت کنند و بروند.

به نظر شما حل این مشکلات و وضعیتی که از آن سخن گفتید چگونه انجام می‌شود و اینکه آیا در مجموع امیدی به بهبود است؟

بله؛ اگر پاسخگویی تقویت شود و هر فردی در هر سطحی از نهادها و سازمان‌ها موظف به ارائه گزارش باشند که البته مورد بررسی دقیق قرار گیرد، دیگر هیچ فرد ناکارآمد و غیرمتخصصی اجازه و قدرت این را پیدا نمی‌کند که در هر رده در دولت، مجلس و... مسئولیت بپذیرد، چراکه می‌داند با توجه به ظرفیت‌های موجود جامعه باید با واقع بینی و با توجه به توانمندی‌های خود به میدان بیاید تا بتواند مشکلات کشور را حل کند. در حقیقت کسانی که قبول مسئولیت می‌کنند باید بدانند که وضعیت کشور و داشته‌ها و اعتبارات مالی و غیرمالی همین است که وجود دارد، اگر در خود توانی برای اصلاح می‌بینند حضور یابند، در غیر اینصورت در سایه نظام پاسخگو و ملزم به شفایت در ارائه گزارش عملکرد، از پذیرش مسئولیت خودداری می‌کنند.

یادداشت

ضرورت بازنگری در سیاست‌های اقتصادی

فرصت‌های ناتمام

قادر باستانی تبریزی
پژوهشگر علوم ارتباطات

اقتصاد کشورمان در وضعیتی است که ناترازی‌ها در بخش‌های مختلف، شرایطی خاص و نیازمند توجه فوری ایجاد کرده، اما در این شرایط، نگرانی‌ها و پرسش‌ها نباید ما را از یافتن راه‌حل‌های مؤثر بازدارد. در حالی که برخی عوامل داخلی مانند شیوه حکمرانی و تعدد مراکز قدرت مورد توجه قرار می‌گیرند، به نظر می‌رسد این فرصت طلایی برای تجدید نظر در سیاست‌های اقتصادی و ساختار مدیریتی کشور است که می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات باشد. از سوی دیگر، سیاست خارجی نیز تأثیر زیادی بر شرایط اقتصادی دارد، و در صورتی که راهبردهای هوشمندانه و مدبرانه در این عرصه اتخاذ شوند، می‌توانند فرصت‌های جدیدی برای همکاری‌های اقتصادی و تجاری ایجاد کنند. چشم‌انداز بهبود ممکن است در ابتدا دور به نظر برسد، اما با اراده و برنامه‌ریزی مناسب، می‌توانیم به تدریج این وضعیت را تغییر دهیم. دولت پزشکیان با صداقت و یکرنگی آستین‌ها را بالا زده تا راهی برای عبور از مشکلات بیابد، اما به نظر می‌رسد حل معضلات کشور در گرو گشایش قفل سیاست خارجی باشد، که لابد با باز شدن آن می‌توان به رفع بسیاری از چالش‌ها امیدوار بود. اکنون باید پرسید، در بحبوحه تحولات سریع جهانی و منطقه‌ای، آیا وقت آن نرسیده که به جای سرزنش یکدیگر، به دنبال راهکارهایی باشیم که کشور را از وضعیت کنونی به مسیری روشن و پایدار هدایت کند؟ آیا سیاست خارجی ایران، مانند گذشته، تابعی از سیاست داخلی است یا اینکه خود به نیروی محرکه حکمرانی داخلی تبدیل شده است؟ تحولات شبکه‌ای در مناسبات جهانی، رشد و توسعه چشمگیر فناوری‌های نوین به‌ویژه هوش مصنوعی و حرکت پرشتاب کشورهای منطقه، به‌خصوص کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس، در مسیر توسعه اقتصادی و دستیابی به موقعیت‌های راهبردی، نشان می‌دهد که سیاست خارجی در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگری به عنصری کلیدی، راهبردی و تعیین‌کننده در پیشبرد اهداف ملی و عبور از ناترازی‌های موجود تبدیل شده است. در این شرایط، جهانی شدن فزاینده، گسترش تعاملات بین‌المللی، و هم‌پوشانی سیاست و اقتصاد جهانی، قواعد بازی را به‌گونه‌ای تغییر داده که دیگر نمی‌توان با اتکا به راهبردهای سنتی گذشته، رویکردهای محافظه‌کارانه یا سیاست‌های انفعالی، در دنیای به‌شدت پویا و متغیر قرن بیست‌ویکم مسیر توسعه و پیشرفت را با بهروزی طی کرد. برخلاف دوره‌های پیشین که سیاست خارجی عمدتا به عنوان امتداد سیاست داخلی در نظر گرفته می‌شد، تحولات عصر حاضر نشان می‌دهد که سیاست خارجی نه‌تنها دنباله‌رو سیاست داخلی نیست، بلکه خود به عاملی مؤثر و تعیین‌کننده در شکل‌دهی به سیاست‌ها، مناسبات و روندهای داخلی تبدیل شده است. این تغییر رویکرد، درک نکته‌ای را ضروری می‌سازد که هرگونه غفلت از الزامات نوین سیاست خارجی، می‌تواند تبعات جبران‌ناپذیری بر ساختار حکمرانی داخلی و دستیابی به اهداف کلان توسعه‌ای کشور داشته باشد. در نتیجه، اتخاذ یک سیاست خارجی توسعه‌گرا که بتواند ضمن تنظیم مناسبات بین‌المللی در چارچوب منافع ملی، جایگاه کشور را در زنجیره ارزش جهانی ارتقا دهد و زمینه‌ساز جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری‌های پیشرفته و بهره‌گیری از فرصت‌های بین‌المللی باشد، ضرورتی انکارناپذیر است. در این مسیر، توجه به مفاهیمی چون خودمختاری استراتژیک با کاهش وابستگی به کشورهای خاص، ارتقای دیپلماسی اقتصادی با فراهم‌سازی فرصت‌های جدید برای تجارت و سرمایه‌گذاری و نیز استفاده هوشمندانه از ظرفیت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای با ایجاد پیوندهای اقتصادی، فرهنگی و سیاسی مؤثر با دیگر کشورها اهمیت دارد. این ترکیب از رویکردها، نه تنها به مقابله با چالش‌های کنونی کمک خواهد کرد، بلکه زمینه را برای رشد و توسعه پایدار در آینده فراهم می‌آورد. گام نخست برای خروج از بن‌بست فعلی و عبور از چالش‌های پیچیده پیش‌رو، پذیرش ضرورت تغییر بنیادین در راهبردهای سیاست خارجی و حرکت به سمت اتخاذ سیاستی توسعه‌محور، آینده‌نگر و فعال است. در شرایطی که نظام بین‌الملل با تحولات ژرف و شتابان ناشی از جهانی شدن، رقابت‌های منطقه‌ای و ظهور فناوری‌های نوین مواجه است، ایستایی و تداوم رویکردهای امتحان شده، دیگر نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای کشور در مسیر دستیابی به توسعه پایدار و متوازن باشد. اتخاذ یک سیاست خارجی توسعه‌محور، مستلزم بازتعریف مناسبات دیپلماتیک با کشورهای منطقه و جهان، بر اساس ظرفیت‌های بومی، منابع ملی و مزیت‌های راهبردی کشور است. این بازتعریف نه‌تنها باید بر مبنای منافع ملی بلندمدت صورت گیرد، بلکه باید به‌گونه‌ای هوشمندانه و پویا باشد که بتواند تعاملات سازنده و چندجانبه را در سطح بین‌المللی ارتقا دهد. در این مسیر، تاکید بر دیپلماسی اقتصادی و ارتقای جایگاه کشور در زنجیره ارزش جهانی از اهمیتی ویژه برخوردار است. جذب سرمایه‌گذاری خارجی، انتقال فناوری‌های نوین و تقویت موقعیت کشور در نظام تجارت جهانی از جمله اهداف کلیدی سیاست خارجی توسعه‌گرا محسوب می‌شوند. همچنین، تعامل هوشمندانه و هدفمند با سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، بهره‌گیری از ظرفیت‌های گذرگاهی و جغرافیایی کشور در حوزه ترانزیت و حمل‌ونقل و استفاده از دیپلماسی انرژی به عنوان اهرمی راهبردی، می‌تواند زمینه‌ساز افزایش قدرت نرم و ترمیم جایگاه جهانی کشور باشد. تحقق این اهداف نیازمند تعامل سازنده و گفتمان‌سازی داخلی و بین‌المللی است تا سیاست خارجی توسعه‌محور بتواند به عنوان بستری کارآمد برای تحقق اهداف کلان ملی، تقویت تاب‌آوری اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی عمل کند. بدون چنین تحولی، نمی‌توان انتظار داشت که کشور از شرایط فعلی به‌سوی آینده‌ای متفاوت و امیدوارکننده گام بردارد. بدون تغییر در سیاست خارجی و تبیین گفتمانی تازه در محیط داخلی و خارجی، آینده‌ای متفاوت از شرایط فعلی، نمی‌توان متصور بود. آیا ایران می‌تواند با اتخاذ سیاست خارجی توسعه‌گرا، جایگاه خود را در مناسبات جهانی احیا کند؟ یا همچنان در متهم ساختن متقابل جناح‌های سیاسی، از فرصت‌های طلایی پیش‌رو غافل خواهد ماند؟